



پنجشنبه اول آبان ۱۴۰۴، ۱۶ صفحه، ۲۰ هزار تومان، سال چهارم، شماره ۹۱۳
www.hammihaonline.ir



درا قفل نکن!

روایتی از مهرداد خدیر به مناسبت سالگرد
درگذشت **سید مصطفی خمینی**



درباره يك فيلم کوتاه عروسی

یادداشتی از **عباس عبدی**
درباره علی شمخانی و حاشیه‌های اخیر او



آمدند، زجر کشیدند و مُردند

گفت‌وگو با **سما بابایی**
نویسنده رمان «مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا»



آبان هم آب ندارد

بررسی وضعیت بحرانی ذخایر سدهای کشور تا میانه پاییز

درباره روندی که به انحلال انجامید

تحلیل
اقتصاد

بانک بجی آینده



منصور بیطرف
تحلیلگر اقتصاد

دولتی یا خصوصی - را بررسی کنیم. براساس استانداردهای بازل که مورد قبول تمامی صنعت بانکداری است و همه بانک‌های جهان باید این استانداردها را لحاظ کنند، نسبت کفایت سرمایه است. یعنی بانک باید به اندازه‌ی کافی سرمایه در برابر ریسک‌هایش داشته باشد؛ به طوری که زیان‌های احتمالی باعث ورشکستگی آن نشود. این نسبت مناسب معمولاً بالای ۸ درصد است. اما آن طور که بررسی‌ها نشان می‌دهند نسبت کفایت سرمایه بانک آینده بیش از منفی ۳۵۰ درصد بود. این یعنی ورشکستگی بانک. این یعنی بانک آینده نه تنها سرمایه از خودش ندارد بلکه باید بروی باقیمانده‌های موجود - اگر از آن خودش باشد - از دیگری قرض بگیرد و بگذارد. پارامتر دیگر نسبت مطالبات غیر جاری است. به معنای آنکه وام‌هایی که مشتری گرفته اما نتوانسته تعهدات مالی خود را در موعد مقرر پرداخت کند. در بانک‌های سالم، طبق استانداردهای بانکی این نسبت باید زیر ۵ درصد باشد. براساس گزارش‌های منتشرشده این بانک، در پایان خردادماه امسال مانده کل تسهیلات کلان معادل ۱۲۲ هزار و ۳۱۵ میلیارد تومان بوده که از این میزان حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان آن غیرجاری بوده است؛ معادل ۹۸ درصد! **۲۴**

داستان بانک‌های خصوصی در ایران، قصه غمباری است. مرحوم دکتر محسن نوریخس، که در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ به دنبال راه‌اندازی موسسات اعتباری و بانک‌های خصوصی بود، اعتقاد داشت که با راه‌اندازی این نوع بانک‌ها، شکل و شمایل بانکداری ایران نه تنها نوین خواهد شد بلکه صنعت بانکداری ایران هم می‌تواند جهش‌های قابل توجهی داشته باشد. بانک اقتصاد نوین، اولین بانک خصوصی بود که در سال ۱۳۷۹ تأسیس شد. یادم می‌آید زمانی که دکتر نوریخس برای افتتاح اولین شعبه این بانک وارد ساختمان آن شد، برقی در چشمانش بود و جمله‌ای به این مضمون گفت که راه بانکداری نوین در ایران باز شده است. اما او نمی‌دانست که ۲۴ سال بعد بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری آنچنان صنعت بانکداری کشور را دچار کلاف سردرگمی کنند که حاکمیت به دنبال آن باشد عطایش را به لقایش ببخشد و تصمیم بگیرد که همان بانکداری سنتی را تقویت کند. ماجرای انحلال بانک آینده و اخباری که حاکی از ادغام آن در بزرگترین بانک دولتی کشور یعنی بانک ملی است از همین نوع کلاف‌ها است. چه اتفاقی بر سر بانک آینده افتاد؟ قبل از پاسخ به این سوال بهتر است اول ویژگی‌های یک بانک خوب - اعم از

سرمقاله

«آینده» ای که امیدبخش نبود

یکی از مهم‌ترین نهادهایی که از ابتدای انقلاب منشأ فساد و رانت بوده، بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی هستند. موسساتی که به نام خیریه تأسیس شدند و فساد و آلودگی آنها چنان گسترده شد که بانک مرکزی دولت روحانی مجبور به جمع‌آوری بساط آنان شد. ولی کمتر کسی متوجه شد که برای این کار چه هزینه گزافی از جیب مردم پرداخت شد. بخشی مهمی از پایه پولی و تورم به دلیل همین برخورد بالارفت و برخوردکنندگان هم دچار دادگاه شدند. بانک‌ها هم همین مشکل را به طریق دیگری داشتند. در میان بانک‌های خصوصی بانک آینده بیش از بقیه در تیررس انتقاد بوده است. ولی بانک‌های دیگر هم هر کدام به تناسب با مشکلات ناترازی درگیر هستند. طبق روایت رئیس قوه قضائیه؛ «مسئولان بانک مرکزی ۷ سال پیش با گرفتن اختیارات قانونی از شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران، به جای اینکه با اقدامات خود زیان انباشته بانک آینده را کاهش دهند، آن را طی هفت سال چند برابر بیشتر کرده‌اند.» در این ۷ سال سه دولت روحانی و رئیسی و پزشکیان آمده‌اند و مسیر قبلی ادامه یافته است. پس مسئله فراتر از دولت‌ها است. مشکل عمیق‌تر از سیاست‌ها و اراده این دولت و آن دولت است. ناترازی بانک‌ها نماد بحران آنها است. یعنی دارایی‌های آنها کمتر از بدهی‌های آنها است. در حالی که صورت‌های مالی از طریق حسابرسان که باید امین جامعه باشند تراز تأیید می‌شود. در واقع اموالی موهوم را در حساب‌ها می‌نویسند و ترازنامه را سودآور نشان می‌دهند. دولت مالیات خود را می‌گیرد. هیئت‌مدیره و مدیر عامل برای خود در پیسی باز می‌کنند و تشویقی سالانه می‌گیرند و سهامداران هم خوشحال از سوددهی هستند. همه راضی بر دروغ و جعل. چرا چون بانک مرکزی مستقل نداریم. قانون این بانک ایراد دارد. همه به بانک مرکزی به عنوان خزانه دولت نگاه می‌کنند تا به آن دست‌اندازی کنند. ریشه‌های این فساد و ناکارآمدی گوناگون است. یکی از ریشه‌های فساد در نهادهای پولی و بانکی، قیمت‌گذاری دستوری روی پول یا همان نرخ بهره است. این بزرگترین ریشه فساد در ایران است. چون مردم هم آن را بد نمی‌دانند. ولی سود اصلی آن یا به جیب افراد فاسد و رشوه‌گیر و رشوه‌دهنده می‌رود یا به جیب سیاستمداران صاحب قدرت که می‌توانند وام‌های کلان با سود اندک بگیرند. خود مدیران بانکی هم از این خوان یغما بسیار بهره می‌برند. علت دیگر این فساد گسترده عدم استقلال این نهادها است، زیرا آدم هر کدام به جایی بند است. اغلب آنها به جای گرفتن منابع مردم و دادن وام به تولید و تجارت، خودشان با انواع ترفند مشغول تولید و تجارت هستند. یک نمونه آن همین بانک آینده است که منابع زیادی را صرف پروژه واحدی از ذینفعان بانک کرده است. **۲۵**

میراث متزلزل اوباما

درباره رئیس جمهور سابق آمریکا و موقعیت کنونی او که با اتهام‌زنی‌ها حملات و فشارهای دونالد ترامپ در معرض تهدید قرار گرفته است

گزارش
بین‌الملل
۸۰۹